

قصه‌هایی از بطن جامعه

گفت‌وگوهایی با عوامل برنامه «جاذبه» که روی آنتن شبکه افق است

برنامه تلویزیونی «جاذبه» به تهیه‌کنندگی حمیدرضا صابونی، کارگردانی محسن حمیدزاده، سر دبیری حسین برکتی و اجرای حامد عسکری از شنبه ۲۹ مرداد بخش خود را آغاز کرده است. «جاذبه» که تولید شبکه افق برای ماه محرم و صفر است در فصل سوم و در ادامه رویکردهای پیش، در پی ارتباط افراد با اهل بیت (ع) در سیره زندگی اجتماعی آنهاست. این برنامه تولید مشترک شبکه افق و مرکز رسانه سازمان تبلیغات اسلامی است که هر شب ساعت ۲۱ از شبکه افق پخش می‌شود. حامد عسکری در فصل سوم این برنامه با گفت‌وگوهایی عمیق، شنونده قصه‌های اشکال مختلف از تباطات مهمانان با اهل بیت (ع) است. ارتباطاتی که به واسطه نوع نگاه آنها یا گرهایی در زندگی‌شان به قصه تبدیل شده‌اند. تاکنون بیست قسمت از قصه‌های «جاذبه» روایت شده است. در این بیست برنامه، افراد مختلفی از طیف‌های مختلف فروری صندلی مهمان نشسته‌اند و به بیان قصه‌های خود پرداخته‌اند. این برنامه به لحاظ ساختار و فرمی که از آن دیده‌ایم مانند فصل‌های گذشته در سومین فصل خود در میان برنامه‌های سیما برای این ایام، توانسته از جایگاه قابل قبولی برخوردار باشد. به همین منظور در این شماره از روزنامه صبا با محسن حمیدزاده کارگردان، حسین برکتی سر دبیر و حامد عسکری میزبان «جاذبه» به گفت‌وگو نشستیم. این گفت‌وگوها پیش روی شماست.



حامد عسکری:

قصه‌های آدم‌ها جالب است

میزبانی فصل سوم «جاذبه» را حامد عسکری برعهده دارد؛ او را به واسطه داستان‌ها و شعرهایش می‌شناسیم. عسکری پیش از این برنامه هم تجربه اجرا را داشته است. او معتقد است از بین مهمانان این برنامه و داستان‌هایشان، قصه‌هایی پرکشش وجود داشته که قابلیت تبدیل شدن به داستان‌هایی بلند دارند. حامد عسکری در این گفت‌وگو به نکاتی درباره پذیرفتن حضور در «جاذبه» و شنیدن قصه‌های مهمانان پرداخته است.

همان‌طور که در خبرهای اعلام تولید و بخش برنامه هم مشاهده کردیم، «جاذبه» در پی ارتباط افراد با اهل بیت (ع) در سیره زندگی اجتماعی آنهاست؛ اگر قصه مهمانان برنامه با آنمه (ع) خاصه امام حسین (ع) گره

نخورده بود باز هم میزبانی آن را می‌پذیرفتید؟ چرا؟

نه نمی‌پذیرفتیم؛ من قراردادی با خودم داشتم که فعلاً برنامه‌ای را برعهده نگیرم؛ اما به بساط امام حسین (ع) نمی‌توانم نگفت. هر کسی که برای امام حسین (ع) به شما مراجعه می‌کند و کاری را پیشنهاد می‌دهد، او را فرستاده امام حسین (ع) حساب می‌کنم. به همین دلیل سعی می‌کنم آن کار را به بهترین نوع ممکن و البته در حد بضاعت‌ام به انجام برسانم. این کار را پذیرفتم و امیدوارم مقبول درگاه حضرت سیدالشهدا (ع) باشد.

فارغ از صحبت‌ها و جمع‌بندی‌هایی که در اتاق فکر مطرح شده‌اند، شما چقدر سعی کردید در پیشبرد قصه و روند داستان‌گویی تأثیرگذار باشید و برنامه را مدیریت کنید؟

مدیریت قصه کار سختی بود؛ با توجه به اینکه برنامه کلان

روایت، هدف کلانی داشت که این گفت‌وگوها باید به آن نزدیک می‌شدند. اینکه چقدر به این هدف می‌رسد یا نه را مردم قضاوت می‌کنند؛ مدیریت این گفت‌وگوها بر خبی از مهمان کمی سخت بود. به‌طوری که مطرح شدن یک مسئله برای من لویت بود اما مهمان هیچ تمرکزی روی آن نداشت و از آن رد می‌شد و من نمی‌توانستم کات بدهم، بنابراین باید صبر می‌کردم حرفش تمام شود و دوباره به اول موضوع برگردم تا اتفاق منظر محقق شود. خیلی از مهمانان از راه دور آمده بودند، خستگی مسیر روی تن‌شان بود، ترس از دوربین داشتند و مسائلی از این دست باعث شده بود که هم‌تیم نویسنده‌گی و کارگردانی کمک بدهند و هم خودم با توجه به شناختی اجمالی از داستان، نقطه‌گیری در داستان باقی نماند.

به فراخور فضای برنامه و زمان پخش آن، چه میزان خواستید اجرای تازه‌ای را ارائه کنید؟